بسم الله الرحمن الرحيم

تعیین حدود مسئولیت شرکت‌های تجاری و مدیران آنها در برابر دارنده چک

(بر اساس معیارهای شش‌گانه)

مؤلف:

دکتر سیّد حسین سادات حسینی

عضو هیئت علمی دانشگاه

مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی

تهران ـ ۱۳۹۹

سرشناسه	:	سادات‌حسینی، سیدحسین، ۱۳۳۹ -
عنوان قراردادی	:	ایران. قوانین و احکام .Iran. Laws, etc
عنوان و نام پدیدآور	:	تعیین حدود مسئولیت شرکت‌های تجاری و مدیران آنها در برابر دارنده چک (بر اساس معیارهای شش‌گانه)/ سیدحسین سادات‌حسینی.
مشخصات نشر	:	تهران: موسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	:	۲۰۱ ص.
شابک		۹۷۸-۶۰۰-۴۷۵-۱۰۳-۲
وضعیت فهرست‌نویسی	:	فیپا
یادداشت	:	پشت جلد به انگلیسی: Sayyed Hossein Sadat Hosseini. Determination of commercial companies & their managers... .
یادداشت	:	چاپ قبلی : قانون و قلم، ۱۳۹۸.
یادداشت	:	کتابنامه : ص. ۲۰۱ ؛ همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع	:	چک -- قوانین و مقررات--ایران
موضوع	:	Checks -- *Law and legislation-- Iran
موضوع	:	مسوولیت (حقوق) -- ایران
موضوع	:	Liability (Law) -- Iran
موضوع	:	حقوق تجارت -- ایران
موضوع	:	Commercial law -- Iran
رده بندی کنگره		KMH۹۳۹
رده بندی دیویی	:	۳۴۶/۵۵۰۹۶
شماره کتابشناسی ملی	:	۷۳۳۶۰۸۰

با مراجعه به فروشگاه اینترنتی شهر دانش از مزایای خرید آنلاین و تخفیف ویژه برخوردار شوید.

www.**shahredanesh**.com

عنوان: **تعیین حدود مسئولیت شرکت‌های تجاری و مدیران آنها در برابر دارنده چک (بر اساس معیارهای شش‌گانه)**

تألیف: **دکتر سیّد حسین سادات حسینی**

ناشر: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش

ویراستار و صفحه‌آرا: نرگس صادقی

طراح جلد: نرگس صادقی

نوبت چاپ: اول

تاریخ چاپ: ۱۳۹۹

شمارگان: ۲۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۷۵-۱۰۳-۲

بهاء: ۱۰۰,۰۰۰ تومان

حق چاپ محفوظ است.

تهران ـ خیابان کریمخان زند ـ خیابان سنایی ـ خیابان نهم ـ خیابان گیلان ـ پلاک ۵

کد پستی ۱۵۸۵۷۴۳۱۱۱ صندوق پستی: ۱۵۸۷۵/۴۵۳۹ تلفن: ۸۸۸۱۱۵۸۱ نمابر: ۸۸۸۱۱۵۸۰

Website: http://www.sdil.ac.ir Email: publication@sdil.ac.ir

تقدیم به صاحب عصر و الزمان

به نام خداوند جان و خرد

سخن ناشر

توسعه ادبیات حقوقی در هر کشور، نقش مهمی در پیشرفت نظام حقوقی آن کشور ایفاء می‌نماید. اندیشمندان و پژوهشگران دنیای بیکران حقوق که شیفته نظم‌اند و سرباز عدالت، آموزه‌های علمی و تجربیات عملی خویش را به جامعه حقوقی عرضه می‌دارند تا بتوانند در تثبیت و تنویر نظم اجتماعی و استقرار عدالت و اصلاح و پیشرفت کشور سهیم گردند.

قانون‌گذار فهیم و آگاه، هیچ‌گاه در مقام تهیه پیش‌نویس و مهیا شدن جهت وضع قانون، خود را بی‌نیاز از ادبیات و دکترین حقوقی کشور و مشورت با خبرگان نخواهد یافت و هیچ‌گاه مصوبات قبلی خویش را دائمی و مصون از نقد و اصلاح قلمداد نخواهد نمود. قضات متخصص و عدالت‌پیشه نیز نقد علمی و منصفانه آرای خود را مایه تکامل و پیشرفت می‌دانند.

دانشکده‌های حقوق که به مأموریت خطیر تربیت قضات، وکلا، مشاوران حقوقی، سردفتران، پژوهشگران و اساتید حقوق و فقه همت می‌گمارند علاوه‌بر اینکه از آموزه‌های علمی و قضایی کشور بسیار بهره می‌برند متقابلاً رسالت مهمی در غنی‌سازی ادبیات و دکترین حقوقی کشور برعهده دارند.

کشور ایران به‌ویژه در دو دهه اخیر پیشرفت قابل‌توجهی در توسعه کمّی ادبیات حقوقی کشور را شاهد بوده است. تعداد کتب و نشریات حقوقی منتشره در کشور طی بیست سال اخیر، به نسبت گذشته به‌مراتب افزایش یافته است. این دستاورد را باید به فال نیک گرفت و امیدوار بود که این پیشرفت کمّی به همین میزان با توسعه‌ای کیفی در بارور شدن دکترین حقوقی موردنیاز کشور همراه باشد و با احترام به حقوق مالکیت فکری دیگران انتشار یابد.

انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش که همواره سعی داشته است علاوه‌بر انتشار آثار حاصل از تحقیقات پژوهشکده حقوق، به‌صورتی هدفمند و با ارزیابی علمی به گزینش و چاپ و انتشار کتاب‌های حقوقی در حوزه‌ها و موضوعات موردنیاز جامعه حقوقی کشور مبادرت ورزد، زحمات جناب آقای **دکتر سیّد حسین سادات حسینی** در تألیف کتاب **تعیین حدود مسئولیت شرکت‌های تجاری و مدیران آنها در برابر دارنده چک (بر اساس معیارهای شش‌گانه)** را ارج نهاده، امیدوار است این کتاب مورد استقبال جامعه حقوقی کشور و مورداستفاده متولیان امر قرار گیرد.

وحید اشتیاق

فهرست اختصاری

مقدمه ۱۳

بخش اول: تعیین حدود مسئولیت شرکت‌های تجاری و مدیران آنها در برابر دارنده چک بر اساس تحقق یا عدم‌تحقق معیار اول ۱۹

فصل اول: تعیین مسئول پرداخت وجه چک درصورت تحقق معیار اول یعنی «امضای چک در مقام صدور و ظهرنویسی از سوی مدیران پس از آغاز شخصیت حقوقی و قبل از پایان آن صورت گیرد.» ۲۱
فصل دوم: تعیین مسئول پرداخت وجه چک درصورت عدم‌تحقق معیار اول یعنی «امضای چک از سوی مدیران قبل از آغاز شخصیت حقوقی و بعد از پایان آن صورت گیرد.» ۳۴

بخش دوم: تعییــن حدود مسئولیت شرکت‌های تجاری و مدیران آنها در برابر دارنده چک بر اساس تحقق یا عدم‌تحقق معیار دوم ۴۹

فصل اول: تعیین مسئول پرداخت وجه چک درصورت تحقق معیار دوم یعنی «امضای چک در مقام صدور و ظهرنویسی از سوی مدیران دارنده حق امضاء صورت گیرد.» ۵۱
فصل دوم: تعیین مسئول پرداخت وجه چک درصورت عدم‌تحقق معیار دوم یعنی «امضای سند تجاری از سوی مدیران غیردارنده حق امضاء صورت پذیرد.» ۷۵

بخش سوم: تعیین حدود مسئولیت شرکت‌های تجاری و مدیران آنها در برابر دارنده چک بر اساس تحقق یا عدم‌تحقق معیار سوم ۹۵

فصل اول: تعیین مسئول پرداخت وجه چک درصورت تحقق معیار سوم یعنی «امضای چک در مقام صدور و ظهرنویسی در حدود موضوع شرکت صورت پذیرد.» ۹۷
فصل دوم: تعیین مسئول پرداخت وجه چک درصورت عدم‌تحقق معیار سوم یعنی «امضای چک در مقام صدور یا ظهرنویسی در خارج از حدود موضوع شرکت صورت پذیرد.» ۱۰۶

بخش چهارم: تعیین حدود مسئولیت شرکت‌های تجاری و مدیران آنها در برابر دارنده چک بر اساس تحقق یا عدم‌تحقق معیار چهارم ۱۱۳

فصل اول: تعیین مسئول پرداخت وجه چک درصورت تحقق معیار چهارم یعنی «امضای چک از سوی مدیران دارنده حق امضاء در مقام صدور و ظهرنویسی در شرکت‌های تجاری بجز شرکت‌های سهامی در حدود اختیارات مدیران صورت پذیرد.» ۱۱۵

فصل دوم: تعیین مسئول پرداخت وجه چک درصورت عدم‌تحقق معیار چهارم یعنی «امضای چک از سوی مدیران دارنده حق امضاء در مقام صدور و ظهرنویسی در شرکت‌های تجاری، خارج از حدود اختیارات مدیران صورت پذیرد.» ۱۴۳

بخش پنجم: تعیین حدود مسئولیت شرکت‌های تجاری و مدیران آنها در برابر دارنده چک بر اساس تحقق یا عدم‌تحقق معیار پنجم ۱۶۵

فصل اول: تعیین مسئول پرداخت وجه درصورت تحقق معیار پنجم یعنی «امضای چک از سوی مدیران دارنده حق امضاء همراه با ذکر سمت باشد.» ۱۶۷

فصل دوم: تعیین مسئول پرداخت وجه چک درصورت عدم‌تحقق معیار پنجم یعنی «امضای چک از سوی مدیران دارنده حق امضاءهمراه با ذکر سمت نباشد.» ۱۷۲

بخش ششم: تعیین حدود مسئولیت شرکت‌های تجاری و مدیران آنها در برابر دارنده چک بر اساس تحقق یا عدم‌تحقق معیار ششم ۱۷۹

فصل اول: تعیین مسئول پرداخت وجه چک درصورت تحقق معیار ششم یعنی «چک امضاءشده از سوی مدیران شرکت‌ها مشمول اصل عدم‌توجه ایرادات باشد و نه استثنائات آن.» ۱۸۱

فصل دوم: تعیین مسئول پرداخت وجه چک درصورت عدم‌تحقق معیار ششم یعنی «چک امضاءشده از سوی مدیران مشمول اصل عدم‌توجه ایرادات نباشد بلکه مشمول استثنائات آن باشد.» ۱۹۱

فهرست تفصیلی ۱۹۷

منابع ۲۰۱

علائم اختصاری

ق.ت	قانون تجارت
ق.ث.ش	قانون ثبت شرکت‌ها مصوب ۱۳۱۰
ق.ص.چک	قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵ با اصلاحات بعدی
ق.م	قانون مدنی
ل.ا.ق.ت	لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷
ن.ا.ق.ث.ش	نظام‌نامه اجرای قانون ثبت شرکت‌ها مصوب ۱۳۱۰

مقدمه

۱. وقتی به مقالات و کتب نگاشته‌شده در قلمرو حقوق تجارت پیرامون موضوع اسناد تجاری و موضوع شرکت‌ها بالاخص مسئولیت شرکت‌ها و مدیران در قبال معاملات توجه می‌کنیم به دو نکته پی می‌بریم:

۲. نکته اول: در مبحث مربوط به اسناد تجاری، محوریت بحث عمدتاً با این فرض است که هرگاه سند تجاری از سوی شخص حقیقی صادر و ظهرنویسی شود، مسئولیت شخص صادرکننده و ظهرنویس چگونه خواهد بود ولی درخصوص این موضوع که هرگاه به‌جای شخص حقیقی، عمل صدور سند تجاری یا ظهرنویسی آن مربوط به یک شرکت تجاری به‌عنوان شخص حقوقی باشد، نحوه مسئولیت شرکت به‌عنوان شخص حقوقی چگونه خواهد بود و مسئولیت شرکت و یا احتمالاً مسئولیت مدیران امضاءکننده چه میزان است، سخنی به میان نیامده و اگر هم سخن گفته شده گذرا و سطحی است؛

۳. نکته دوم: اینکه وقتی به مبحث مربوط به شرکت‌ها آن هم در قسمت مربوط به معاملات شرکت‌ها توجه می‌کنیم، در این مباحث عنوان شده که هرگاه مدیران شرکت‌ها با رعایت اساسنامه و موازین قانونی، معاملاتی از جانب شرکت و یا به نمایندگی از طرف شرکت انجام دهند، شرکت در قبال این معاملات مسئول است و درمواردی به‌جهت عدمِ‌رعایت موازین، مدیران در قبال این معاملات مسئول هستند؛ ولی هرگاه مدیران شرکت‌های تجاری به‌جای انجام یک معامله و انعقاد قرارداد، مبادرت به امضای سند تجاری در مقام صدور و ظهرنویسی نمایند از اینکه میزان و نحوه مسئولیت شرکت و احتمالاً میزان مسئولیت مدیران امضاءکننده چگونه است، سخنی به میان نیامده و یا در حد گذرا به آن اشاره شده است.

۴. شاید درخصوص نکته اول این‌گونه استدلال شود که قواعدی که پیرامون اسناد تجاری که مشتمل بر نحوه و میزان مسئولیت است و برای اشخاص حقیقی که سند را در مقام صدور و ظهرنویسی امضاء می‌کنند، قابل‌اعمال می‌دانیم دقیقاً همان قواعد را برای شرکت‌ها به‌عنوان اشخاص حقوقی که در جایگاه صدور و ظهرنویسی واقع می‌شوند، اعمال کنیم؛ و درخصوص نکته دوم نیز شاید این‌گونه استدلال شود که قواعدی که درخصوص مسئولیت شرکت‌ها و احیاناً مدیران آنها در قبال معاملات ازقبیل بیع، صلح و غیره قابل‌اعمال است را برای شرکت‌ها یا احیاناً مدیران هنگامی‌که به‌جای انجام معاملات نسبت به امضای سند تجاری در مقام صدور و ظهرنویسی مبادرت می‌نمایند، قابل‌اعمال بدانیم.

اما باید گفت که دو استدلال فوق‌الذکر شاید در بخشی صحیح است ولی به‌طور کامل و همه‌جانبه نمی‌توانند استدلال‌های صحیح باشند، زیرا در حالتی که سند تجاری از سوی شخص حقیقی اصالتاً امضاء شود در مقایسه با حالتی که یک مدیر در مقام نماینده یک شرکت، سند تجاری را امضاء می‌کند تفاوت فاحشی دارد، زیرا در حالتی که مدیر در مقام نماینده شرکت، سند تجاری را امضاء می‌کند، مسائل و سؤالات متعددی پیرامون این امر مطرح می‌شود، به‌عنوان‌مثال آیا به هنگام امضای سند از سوی مدیر، شخصیت حقوقی شرکت شکل گرفته است و اینکه آیا به شخصیت حقوقی شرکت پایان داده نشده است؟ و آیا مدیر دارنده حق امضاء است؟ و آیا مدیر در حدود اختیارات مبادرت به این امر نموده است؟ و آیا به هنگام امضاء، سمت خود را ذکر کرده است و مواردی از این قبیل. (همان معیارهای شش‌گانه‌ای که محور بحث این نوشتار است) لذا از موارد فوق موجب می‌گردد که چهره مسئولیت در جایی که امضای سند به شرکت یا شخص حقوقی مربوط است با حالتی که شخص حقیقی مطرح است، تفاوت پیدا کند.

۵. از طرفی پیرامون نکته دوم باید گفت که نمی‌توان همان قواعد و فرمول‌هایی که برای انجام معاملات از بیل بیع و غیره از سوی مدیران شرکت‌ها برای شرکت‌ها مطرح است، برای اسناد تجاری قابل‌اعمال بدانیم و میزان و نحوه مسئولیت شرکت و احیاناً مدیران را به هنگامی‌که مدیران معامله را انجام می‌دهند با هنگامی‌که سند تجاری را امضاء می‌کنند، یکسان بدانیم؛ زیرا برای اسناد تجاری، اوصاف و ویژگی‌هایی ازقبیل وصف تجریدی و اصل عدمِ‌توجه ایرادات منبعث از وصف تجریدی و اصل استقلال امضاءها مطرح است که همین امر موجب می‌گردد که بعضی از قواعد حاکم بر معاملات، بر اسناد تجاری قابل‌اعمال نباشند.

به همین جهت چهره مسئولیت در جایی که موضوع سند تجاری از سوی مدیر مطرح است با جایی که موضوع انجام معامله مطرح است، تفاوت پیدا کند. نتیجه اینکه مبحثی جدا از دو مبحث فوق قابل‌طرح است، به‌طوری‌که از یک طرف عنوان «سند تجاری» که در مبحث مربوطه، به شخص حقیقی گره خورده است و صرفاً با فرض اینکه شخص حقیقی به‌عنوان صادرکننده و ظهرنویس سند تجاری مطرح گردیده را از این مباحث جدا کنیم و از طرف دیگر عنوان «مسئولیت شرکت‌های تجاری» را نیز که در مبحث مربوطه، صرفاً به معاملاتی ازقبیل بیع و غیره گره خورده است، از این مبحث جدا کنیم و دو عنوان را از دو مبحث متفاوت با هم تلفیق کنیم و عنوان جدیدی را با مبحث جدیدی ابداع کنیم به‌طوری‌که مسئولیت شرکت تجاری را به هنگامی‌که موضوع امضای سند تجاری ازجمله چک در میان است، موردبررسی قرار دهیم که البته عنوان کامل و همه‌جانبه این بحث همانا عنوان این نوشتار است که برای این امر و صرفاً برای چک به‌عنوان یکی از اسناد تجاری برگزیده‌ایم:

«تعیین حدود مسئولیت شرکت‌های تجاری و مدیران آنها در برابر دارنده چک (بر اساس معیارهای شش‌گانه).»

۶؛ اما باید به این نکته توجه داشته باشیم که هرچند عنوان مزبور یک عنوان مجزّا از دو مبحث قبلی است ولی به‌معنای این نیست که از این دو مبحث کمک نگیریم بلکه برعکس از تمامی اصول و قواعد هردو مبحث یعنی مبحث اسناد تجاری و مبحث شرکت‌ها ازجمله شرکت در قبال انجام معاملات تاآنجاکه با جوهره و ماهیت بحث ما منافات نداشته باشد به‌طور کامل استفاده می‌کنیم.

۷. ذکر چهار نکته ذیل حائز اهمیت است:

۸. نکته اول: هرچند مصادیق اسناد تجاری شامل برات، سفته و چک می‌باشد ولی در این نوشتار مشخصاً درمورد چک، بحث و بررسی شده است به همین جهت از این پس به‌جای کلمه «سند تجاری» مشخصاً از کلمه چک استفاده می‌شود و دلیل آن همانا بیان بهتر و رساتر مطالب و درعین‌حال کاربردی‌تر چک در مقایسه با اسناد تجاری دیگر است. البته باید گفت که عمده مباحث مطروحه در این نوشتار را می‌توان به «سفته و برات» هم تعمیم داد؛

۹. نکته دوم: مباحث این نوشتار هر دو نوع چک را دربرمی‌گیرد، خواه چک‌هایی که محال‌علیه آنها بانک‌ها اعم از دولتی و خصوصی می‌باشند؛ یعنی چک‌هایی که عهده بانک‌ها صادر می‌شوند، خواه چک‌هایی که محال‌علیه آنها «مؤسسات اعتباری» می‌باشند یعنی چک‌هایی که عهده مؤسسات غیربانکی صادر می‌شوند. باید توجه داشت که دسته‌چک‌هایی که از سوی مؤسسات غیربانکی ازقبیل مؤسسات اعتباری و غیره چاپ و در دسترس مشتریان قرار می‌گیرند و مشتریان آنها را صادر می‌کنند هرچند در متن آنها کلمه حواله درج شده ولی درواقع ماهیتاً چک بوده و مشمول تعریف ماده ۳۱۰ قانون تجارت می‌باشند که مقرر می‌دارد: «چک نوشته‌ای است که به‌موجب آن صادرکننده وجهی را که در نزد محال‌علیه دارد کلّاً یا بعضاً مسترد یا به دیگری واگذار می‌نماید.» اما باید توجه داشت برای این‌گونه چک‌ها صرفاً قانون تجارت در باب اسناد تجاری حاکم است.

درنتیجه دارنده چک درصورت عدم‌وصول وجه صرفاً ازطریق حقوقی می‌تواند اقدام کند به‌طوری‌که اگر صادرکننده شخص حقیقی باشد به طرفیت شخص مزبور و ظهرنویسان درصورت رعایت مواعد قانون تجارت طرح دعوی نماید و اگر صادرکننده شرکت باشد صرفاً علیه شرکت (و نه مدیران) و ظهرنویسان درصورت رعایت مواعد طرح دعوی کند.

بنابراین بر این‌گونه چک‌ها، قانون صدور چک مصوب سال ۱۳۵۵ با آخرین اصلاحی ۱۳۹۷ حاکم نیست؛ بنابراین دارنده چنین چکی نمی‌تواند از دو مزایای مندرج در این قانون یعنی اقدام ثبتی و کیفری استفاده نموده و علیه مسئولین بر اساس این دو روش اقدام و احقاق حق نماید.

ولی درمورد چک‌هایی که محال‌علیه آنها بانک‌ها (اعم از دولتی یا خصوصی) می‌باشند به‌علت اینکه تحت حاکمیت هردو قانون یعنی قانون تجارت و قانون صدور چک مصوب سال ۱۳۵۵ با آخرین اصلاحی ۱۳۹۷ می‌باشند، دارنده چنین چکی می‌تواند با روش‌های قانونی مقرره ذیل اقدام نماید. تا قبل از اینکه قانون صدور چک مصوب سال ۱۳۵۵، در سال ۱۳۹۷ اصلاح شود، سه روش قانونی مرسوم بود:

۱- روش حقوقی: هرگاه صادرکننده شخص حقیقی بود دارنده چک به‌موجب قانون تجارت می‌توانست با تقدیم دادخواست به دادگاه حقوقی به طرفیت ظهرنویس‌ها (اگر مواعد را رعایت می‌کرد) و صادرکننده طرح دعوی نماید؛ اما اگر صادرکننده شرکت بود می‌توانست به‌موجب ماده ۱۹ قانون صدور چک مصوب سال ۱۳۵۵ به طرفیت شرکت و مدیران امضاءکننده به‌علت مسئولیت تضامنی و علیه ظهرنویس‌ها درصورت رعایت مواعد به‌موجب قانون تجارت طرح دعوی نماید.

۲- روش کیفری: هرگاه صادرکننده شخص حقیقی بود، دارنده چک به‌موجب قانون صدور چک مصوب سال ۱۳۵۵ می‌توانست علیه صادرکننده درصورت رعایت مواعد و شرایط مقرره در قانون مزبور شکایت کیفری طرح نماید و اگر صادرکننده شرکت بود به‌موجب ماده ۱۹، علیه مدیران امضاءکننده شکایت کیفری مطرح نماید.

۳- روش ثبتی: هرگاه صادرکننده شخص حقیقی بود دارنده چک به‌موجب قانون صدور چک مصوب سال ۱۳۵۵ می‌توانست علیه صادرکننده در اداره ثبت درخواست صدور اجرائیه نماید و اگر صادرکننده شرکت بود، علیه شرکت و مدیران امضاءکننده به‌موجب ماده ۱۹ قانون صدور چک مصوب سال ۱۳۵۵ درخواست صدور اجرائیه نماید.

درحالِ‌حاضر هر سه روش فوق درخصوص چک‌هایی که محال‌علیه بانک می‌باشد، قابل‌اعمال است ولی باتوجه‌به اصلاحاتی که در سال ۱۳۹۷ در قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵ به عمل آمد، دارنده چک می‌تواند به‌موجب ماده ۲۳، بدون طرح دعوی، از دادگاه صالح هرگاه صادرکننده شخص حقیقی باشد علیه نامبرده درخواست صدور اجرائیه نماید و هرگاه صادرکننده شرکت باشد علیه شرکت و مدیران امضاءکننده درخواست صدور اجرائیه نماید.

هرچند بر هردو عنوان «چک» اطلاق می‌شود و در این نوشتار درمورد هردو بحث می‌شود ولی تفاوت‌های بین آنها به شرح فوق، موجب گردیده که از حیث مسئولیت مترتب بر شرکت و مدیران آنها، از اینکه دارنده چک از نوع چک با محال‌علیه بانکی باشد یا غیربانکی در بعضی موارد تفاوت‌هایی وجود داشته باشد که در جای خود بررسی خواهیم کرد؛

۱۰. نکته سوم: به همان ترتیب که شخص حقیقی می‌تواند در جایگاه‌های متفاوت ازقبیل صدور و ظهرنویسی، چک را امضاء نماید. مدیران شرکت‌های تجاری نیز در جایگاه‌های متفاوت

می‌توانند چک را امضاء نمایند؛ یعنی در ابتدا در مقام صدور به نمایندگی از طرف شرکت چک را امضاء نمایند و یا اینکه شخص دیگری اعم از حقیقی یا حقوقی چکی را به «حواله‌کرد شرکت تجاری» صادر نماید و شرکت به‌عنوان دارنده چک هرگاه بخواهد آن را به دیگری منتقل نماید مدیر شرکت با امضای چک در ظهر آن، به نفع دیگری ظهرنویسی نماید که در این حالت مدیر که چک را امضاء می‌نماید در مقام ظهرنویس می‌باشد؛ بنابراین حدود مسئولیت شرکت تجاری و مدیران در سراسر این نوشتار هم مربوط به مسئولیت‌های آنان در مقام صدور است و هم ظهرنویسی.

۱۱. باید توجه داشت که در سراسر این نوشتار از ضمانت یاد نمی‌شود زیرا ازآنجاکه:

اولاً، با عنایت به مفاد ماده ۳۱۴ ق.ت که صرفاً بعضی از مباحث برات را در چک جاری دانسته است؛

ثانیاً، اهداف شرکت‌های تجاری، کسب سود می‌باشد؛ و چون ضمانت شرکت‌ها از صادرکننده و ظهرنویسان چک مخالف این اهداف می‌باشد، بنابراین علی‌الاصول ضمانت شرکت‌ها در اسناد تجاری منتفی است و امری خارج از صلاحیت یا اهلیت شرکت‌ها محسوب شده و درصورت اقدام مدیران در این راستا، عمل آنها باطل تلقی می‌گردد؛

۱۲. نکته چهارم: باتوجه‌به موارد فوق‌الذکر، در همه حال محوریت بحث، درخصوص معیارهای شش‌گانه است که اگر معیارهای مزبور جمع باشند دراین‌صورت مسئولیت پرداخت وجه چک بر شرکت مترتّب است درغیراین‌صورت نمی‌توان مسئولیتی را برای شرکت قائل شد لذا به همین دلیل تمامی نوشتار حاضر پیرامون معیارهای شش‌گانه شکل گرفته به‌طوری‌که این نوشتار مشتمل بر شش بخش است و در هر بخش پیرامون یک معیار بحث نموده و خواهیم گفت که با تحقق و یا عدمِ‌تحقق هر معیار، چه کسی مسئول است.

و من الله التوفیق و علیه التکلان

بخش اول:

تعیین حدود مسئولیت شرکت‌های تجاری و مدیران آنها در برابر دارنده چك بر اساس تحقق یا عدم‌تحقق معیار اول

طرح بحث:

۱۳. بیان معیار اول با دو فرض تحقق و عدمِ‌تحقق آن

اولین معیار از معیارهای شش‌گانه با فرض تحقق این است که «امضای چک در مقام صدور و ظهرنویسی از سوی مدیران پس از آغاز شخصیت حقوقی و قبل از پایان آن صورت گیرد.» و فرض عدمِ‌تحقق آن این است که «امضای چک از سوی مدیران قبل از آغاز شخصیت حقوقی و بعد از پایان آن صورت گیرد.»

بدیهی است اگر معیار فوق‌الذکر محقق گردد باید مسئول پرداخت وجه مشخص گردد که موضوع فصل اول است، اگر معیار فوق‌الذکر محقق نگردد نیز باید مسئول پرداخت مشخص گردد که موضوع فصل دوم است.

فصل اول:

تعیین مسئول پرداخت وجه چک درصورت تحقق معیار اول یعنی «امضای چک در مقام صدور و ظهرنویسی از سوی مدیران پس از آغاز شخصیت حقوقی و قبل از پایان آن صورت گیرد.»

۱۴. شرکت‌های تجاری به‌عنوان یکی از مصادیق اشخاص حقوقی می‌توانند دارای کلیه حقوق و تکالیف بجز حقوق و تکالیف مختص انسان بشوند. (ماده ۵۸۸ ق.ت)[۱] قائل شدن حق و همچنین در نظر گرفتن تکلیف برای شرکت‌ها که یکی از مصادیق این تکلیف، همانا مسئول و پاسخگو بودن درمقابل دارنده چک، به‌عنوان ذی‌نفع است زمانی امکان‌پذیر است که قانون مقرر نموده باشد.

۱۵. حال سؤال قابل‌طرح این است که شرکت چه موقع دارای چنین حق و تکلیفی و به‌عبارتی اهلیت می‌شود؟ در پاسخ باید گفت به‌دلیل اینکه قانونگذار به‌موجب ماده ۵۸۳ ق.ت برای شرکت، شخصیت حقوقی قائل شده است در این صورت آغاز دارا شدن حق و تکلیف به آغاز شخصیت حقوقی و نقطه پایان یافتن حق و تکلیف به پایان یافتن شخصیت حقوقی بستگی دارد. در دوره وجود شخصیت حقوقی است که می‌توان تعهدات را به‌عهده شرکت گذاشت؛ زیرا شرکتی که هنوز شخصیت حقوقی آن محقق نشده یا زمانی که شخصیت حقوقی آن پایان یافته است، نمی‌توان

---

۱. ماده ۵۸۸ ق.ت: «شخص حقوقی می‌تواند دارای کلیه تکالیفی شود که قانون برای افراد قائل است مگر حقوق و وظایفی که بالطبیعه فقط انسان ممکن است دارای آن باشد مانند حقوق و وظایف ابوت، بنوت، وامثال ذلک.»

تعهداتی ازقبیل مسئولیت مربوط به پرداخت وجه چک، به ذی‌نفع، به‌عهده شرکت نهاد، زیرا شرکتی وجود ندارد تا متعهد شود؛ بنابراین اگر قبل از تحقق شخصیت حقوقی و یا بعد از زوال آن، اشخاصی از جانب شرکت در مقام صدور و ظهرنویسی نسبت به امضای چک مبادرت نمایند شرکت مسئولیت ندارد.

مبحث اول: تعیین نقطه آغاز و پایان شخصیت حقوقی شرکت‌های تجاری

۱۶. تعیین نقطه آغاز و پایان شخصیت حقوقی دو مقوله متفاوت و مستلزم ارائه دو بحث جداگانه است. لذا در دو عنوان منفک ذیل، موضوع را پی می‌گیریم.

گفتار اول: تعیین نقطه آغاز شخصیت حقوقی

۱۷. درمورد تعیین نقطه آغاز شخصیت حقوقی شرکت‌های تجاری بین نویسندگان حقوق تجارت اختلاف‌نظر وجود دارد. سه تئوری متفاوت از سوی آنان ابراز گردیده است:

۱۸. گروه نخست معتقدند که به‌محض تشکیل[۱]، شرکت‌ها واجد شخصیت حقوقی

---

۱. قانونگذار برای تشکیل هریک از شرکت‌های هفت‌گانه موضوع ماده ۲۰ ق.ت مقرراتی را وضع نموده است:
الف) شرکت‌های سهامی عام: پس از اینکه مؤسسان نام شرکت را انتخاب و مجوزهای لازم را از ادارات و سازمان‌های ذی‌ربط اخذ نمودند باید نسبت به انجام دادن تشریفات مذکور در ماده ۶ ل.ا.ق.ت و تبصره آن عمل نمایند. پس از انجام این تشریفات و باتوجه‌به ماده ۱۷ لایحه قانونی مزبور شرکت سهامی عام با تشکیل مجمع عمومی مؤسس و احراز پذیره‌نویسی کلیه سهام شرکت و تأدیه مبالغ لازم و تصویب اساسنامه شرکت و همچنین انتخاب اولین مدیران و بازرسان و قبول سمت آنان تشکیل می‌شود.
ب) شرکت سهامی خاص: در این شرکت‌ها بدون ضرورت به تشکیل مجمع عمومی مؤسس و بدون نیاز به طرح و تنظیم اعلامیه پذیره‌نویسی، صرف اینکه به وظایف مذکور در ماده ۲۰ ل.ا.ق.ت عمل شود. شرکت تشکیل می‌گردد. این وظایف عبارتند از امضای اساسنامه توسط کلیه سهامداران، پرداخت قسمت نقدی سرمایه که نباید کمتر از ۳۵ درصد کل مبلغ اسمی سهام باشد، انتخاب اولین مدیران و بازرسان توسط کلیه سهامداران و قبول سمت مدیریت و بازرسان. لذا شرکت‌های سهامی با قبول سمت توسط مدیران و بازرسان تشکیل می‌شوند.
ج) شرکت‌های با مسئولیت محدود، تضامنی و نسبی: به‌موجب مواد ۹۶ و ۱۱۸ و ماده ۱۸۵ ناظر بر ماده ۱۱۸ ق.ت شرکت‌های با مسئولیت محدود، تضامنی و نسبی وقتی تشکیل می‌گردند که تمام سرمایه نقدی تأدیه و سهم‌الشرکه غیرنقدی نیز تقویم و تسلیم و شرکت‌نامه (با عنایت به مفاد مواد ۹۷ و ۱۰۰ ق.ت) نیز تنظیم شده باشد.
د) شرکت مختلط غیرسهامی: ازآنجاکه این نوع شرکت ترکیبی از شرکت با مسئولیت محدود و شرکت تضامنی است می‌توان از وحدت ملاک مواد ۹۶ و ۱۱۸ قانون تجارت گفت که این شرکت وقتی تشکیل می‌شود که شرکت‌نامه تنظیم و تمام سرمایه نقدی پرداخت و سهم‌الشرکه غیرنقدی نیز تقویم و تسلیم شده باشد.
ه) شرکت مختلط سهامی: باتوجه‌به ماده ۱۷۶ ق.ت، علاوه‌بر تنظیم و امضای شرکت‌نامه یا اساسنامه تمام سرمایه از طرف ←